

LTMS



بروزترین مرجع

دوره های ضمن خدمت فرهنگیان

ltmsyar.ir

همه آنچه برای انجام دوره های ضمن خدمت لازم است را
تنها از سایت و کانال ما دنبال کنید :

t.me/ltmsyarir

www.LTMSYAR.ir

(برای ورود به سایت و کانال تلگرام لینک های بالا را بفشارید.)

برنامه درسی ملی

سند برنامه درسی ملی یکی از زیر نظامهای مهم اسناد تحولی است سند تحول یا بخش مبانی نظری سند تحول در بخش رهنما شش تا ۶ زیر نظام تعریف کرده است

۱- زیر نظام مدیریت و رهبری

۲- زیر نظام فضا، تجهیزات و فناوری

۳- تربیت معلم و نیروی انسانی

۴- پژوهش و ارزشیابی

۵- منابع مالی

۶- برنامه درسی

زیر نظام برنامه درسی با توجه به این که با محتوای تعلیم و تربیت ارتباط داشته از سال ۹۰ این سند طراحی و تصویب شد و مبنای کار مؤلفین و کارشناسان تولید برنامه ها و مواد آموزشی و معلمان در تدریس و آنچه را که در مدارس کار میشود مبنای عمل است این سند مخاطبش هم مؤلفین هستند برای تدوین برنامه های درسی و هم معلمان و مدیران مدارس و همکاران جهت اجرای برنامه درسی

اون بخشی بیشتر صحبت می شود که مخاطب مؤلفین نیستند بلکه معلمان هستند و برنامه درسی را در مدرسه اجرا می کنند

تعریف برنامه درسی چیست ؟

تعریف این سند برنامه درسی ملی چیست ؟

رویکردها و چرخش های اساسی این سند تحولی چیست ؟

اصول و فرایند تدریس بر اساس و این سند چگونه است؟

اصول و فرایند ارزشیابی پیشرفت تحصیلی در این سند چگونه است ؟

اولین نکته این است که برنامه درسی در یک تعریف خیلی کلی و کلان عبارت است از طراحی برای یادگیری ایجاد فرصتهایی برای یادگیری بچه ها برای کسب شایستگی درک موقعیت ها در واقع ما برای اینکه بچه ها بهتر یاد بگیرند نیازمند تدارک فرصتهای آموزشی و تربیتی هستیم این جمله عینا به عنوان تعریف برنامه درسی در زیر نظام برنامه درسی آمده وقتی که ما برنامه درسی را به عنوان طرح و نقشه و فرصتی برای یادگیری تعریف می کنیم شامل کتابهای

درسی، سی دی آموزشی، معلم خودش فرصت است خود دانش آموزان فرصت هستند گروهبندی دانش آموزان و محیطهای متنوع یادگیری کنش و واکنش ها بین دانش آموزان همه فرصت یادگیری هستند بنابراین سوال اساسی این است که وقتی که برنامه درسی نکته اصلیش و قلب اصلیش و هدف اصلیش در مورد دانش آموزان است باید این سوال مطرح شود که دانش آموزان اساسا چگونه بهتر یاد میگیرند بر اساس رویکردهای اساسی که در برنامه درسی ملی از یاد می کنیم در واقع باید بحث را از اینجا آغاز کنیم که اگر برنامه درسی طرحی است برای یادگیری نقشه کلان طرحی های برنامه های درسی برای یادگیری است از سطح ستاد استان و منطقه ..و آن بخش که وارد مدرسه و کلاس می شویم طراحی آموزش در کلاس درس است

دانش آموزان چگونه بهتر یاد می گیرند! ؟ تفکر

همه شما تجربیات خوبی دارید نسبت به این سوال و نسبت به این سوال بارها با خود فکر کردید با این سوال در کلاسهای درسی خودتان برای اینکه دانش آموزان بهتر یاد بگیرند مواجه بوده و پاسخ داده اید

اولین کلمه کلیدی ۱- تفکر کردن است زمانی بچه ها بهتر یاد بگیرند که نسبت به مسائلی که با آن روبرو می شوند اندیشه بکنند تامل و تفکر بکنند و سوال برای خودشون طرح بکنند فرضیه بسازند برای سوالهای خودشون روشهایی را دنبال کنند به سمت مشاهده و مصاحبه و مطالعه بروند و استدلال بکنند تحلیل و ارزیابی و قضاوت بکنند

تفکر و تعقل قلب نظام یادگیری دانش آموز است که در سند برنامه درسی ملی وقتی اهداف برنامه های درسی را میخواهند تدوین بکنند بیان میکنند که عقل ورزی یا تعقل مهمترین هدفی است که در برنامه درسی زمینه اش رو فراهم کنند که در دانش آموزان رشد بکند چرا که دانش آموزان توانایی شناخت و استدلال ورزی را دارند یعنی ذاتا توانایی را دارند و فرصتهایی باید فراهم شود که استدلال ورزی و تعقلش رشد بکند که در سند ملی برنامه درسی تحت عنوان عناصر الگوی هدف گذاری از آن یاد می شود : که شامل تفکر و تعقل و بعد ایمان و باور به خودشان و ایمان به خود و خانواده و دوستان و فرا موقعیت خداوند، اخلاق، عمل، مهارت، علم که پنج عنصر الگوی هدف گذاری است

پس من که معلم هستم به عنوان طراح آموزشی باید فرصتهایی را طراحی کنم تا دانش آموزان در کلاس زمینه تعاملشان فراهم شود اگر این کار را کردیم قطعاً دانش آموزان بهتر یاد می گیرند پس سوال اینه دانش آموزان چگونه بهتر یاد می گیرند؟ چگونه یاد گیریش بهتر پایدار میشود؟ چگونه یادگیریش مادام العمر خواهد شد؟ چگونه دانش آموز همانطور که رشد می کند کاوشگر خواهد بود؟ چگونه به سمت کشف ناشناخته ها حرکت خواهد کرد اگر به دنبال تربیت این چنین هستیم باید فرایند تدریس ما به گونه ای باشد که زمینه اندیشیدن را فراهم کند نه اینکه صرفاً اطلاعاتی را منتقل کند و او اطلاعات را در ذهن خودش ضبط بکند و در زمان امتحان پاسخ دهد این نظریه که به آن نظریه پاسخ محور گفته میشود امروز مورد استقبال قرار نمی گیرد بلکه این نظریه تحت نظریه سوال محور که دکتر محمدی مقاله ای دارند تحت عنوان نظریه سوال محور در مقابل نظریه پاسخ محور مطرح است اگر تفکر را به عنوان کلید یادگیری یاد می کنیم منظور این است که سوالات دانش آموزان مهم هستند اگر سوالات و چرایی بچه ها از پاسخ های

آنها مهمتر نباشد اهمیت آن کمتر نیست در ارزشیابی فرایندی بایستی به سوالات بچه ها هم ارزش قائل بشویم و برایش پاداش و نمره هم در نظر بگیریم . نکته کلیدی بحث این است که ما به این اینگونه است که اگر بچه های ما با تفکر بیشتر یاد می گیرند باید ارزشیابی و روش تدریس ما بر این محور باشد

دانش آموزان چگونه بهتر یاد می گیرند! ؟) تعامل و هم اندیشی)

دومین روشی است که یادگیری را بهتر و عمیق می کند

همین که دانش آموز به تنهایی فکر می کند ارزشمند است اما اگر این فرصت بدهیم که با هم فکر کنند فرصت گفت و گو برای دانش آموزان فراهم شود بین معلم و دانش آموز و دانش آموز و معلم رابطه دو سویه وجود داشته باشد و تعامل و هم اندیشی با انواع محیط یادگیری در واقع انواع دوستان و اشتراک گذاری در شبکه های مجازی و شکل های متفاوت هم اندیشی و تعامل

گفتگو و مباحثه و همکاری برای یادگیری و انجام آزمایش و فعالیت و مصاحبه و هم یاری و همدلی کنند

همکاری= زمانبست که بر اساس وظیفه انجام میشود که ما به آن گروه بندی می گوییم . یعنی اگر تکلیف به یه گروه دادید و سر گروه مشخص کردید همه مسئولیتها را از رئیس گروه بخواهیم اینجا بیشتر فعالیت بین بچه ها از جنس همکاری است همیاری= اما اگر این فرایند را تغییر بدهیم به این که بچه ها در کاری که میخواهند انجام بدن تفکیک نقش داشته باشند هر کسی کارش معلوم باشد خرد جمعی مینا باشد و تصمیمات جمعی حاصل آن باشد به این همیاری یا تیم سازی می گوییم . بنابر این مراد از این مقوله برای یادگیری عمیقتر تیم شدن بچه ها است و همیار و یاری کردن همدیگر که علاوه بر یادگیری هدفمان این است که قطعا در ادامه زندگیشان بچه ها با هم یگر گفتگو داشته باشند و به هم کمک کنند و همیاری بکنند به پشتیبانی هم احساس نیاز بکنند و همون جمله که بیان میشود دانش آموزان از هم یاد میگیرند و می آموزند و به یادگیری هم کمک می کنند .

همدلی= یک مرحله عمیقتر میشود زمان انجام کار تیمی بچه ها همدل بشوند هم سمت بشوند و برای رسیدن به مقصد از کل وجود و ظرفیت هم استفاده کنند و منافع فردی و در مقابل منافع جمعی کمتر مورد توجه قرار بدهند

در یه جاهایی ما بایستی برای اینکه بچه ها یادگیریشان عمیق تر شود و فرایند پژوهشی آنها خوب دنبال شود بین هم تیمی ها باید تضاد مثبت ایجاد کنیم . یعنی دانش آموزان یاد بدهیم هر کسی از یک منظری در مورد موضوع بحث بکند یعنی وقتی هدف یکیست ولی از منظر متفاوت در مورد آن بحث میشود به آن تضاد مثبت می گویند اما تضاد منفی را توصیه نمی کنیم چون بیشتر به سمت رقابت و تنش بین بچه ها میرود

چالش خلاق= برای خلاقیت و یادگیری بهتر چالش هست اگر می خواهیم یادگیری عمیق شود باید در کلاس با سوالات و ارائه فیلم و چالش ایجاد کنیم.

مشارکت زمینه ساز خلاقیت است یعنی همین که بچه ها با هم بحث می کنند این مشارکت باعث خلاقیت میشود پس اگر بخواهیم بچه ها به یادگیری مطلوب برسند وظیفه ما ایجاد چالش و مشارکت و خلاقیت است

دانش آموزان چگونه بهتر یاد می گیرند!؟ (دست ورزی)

محور سوم دست ورزی است پس این گونه بیان می کنیم اساسا یادگیری چگونه بهتر انجام میگیرد بر اساس مفاد اسناد تحولی و بویژه سند برنامه درسی ملی . شما وقتی که اصول واهدادهای تدریس و ارزشیابی را در این سند می خونید به شکلی با این واژه ها روبرو می شوید که بین علم و تجربه تلفیق بین علم و تجربه بایستی صورت بگیرد بچه ها بایستی دست ورزی و تولید کنند و از فناوریهای مختلف استفاده بکنند

دانش آموزان ما برای یادگیری هم باید از مغزشان استفاده کنند و با همدیگر یاد بگیرند که انسان ذاتا اجتماعی است و یادگیری اساسا بر اساس تعامل در اجتماع صورت می گیرد که ساختار گرایی اجتماع هم این رو بیان می کند و بایستی فرصت هایی فراهم بکنیم که بچه ها از زبان بدن از همه ی اعضای بدنشان متناسب با درسشان استفاده بکنند در تربیت بدنی به یه شکلی در درسهای علوم به یه شکلی از قیچی کردن کاغذ برای درسهای ریاضی تا تولید و ساخت برای درسهای فنی حرفه ای و کارو دانش و تولید نرم افزار و یا از فناوری های جدید بدرستی استفاده کنند از آزمایشگاه و کارگاه استفاده بکنند یعنی گفتیم عناصر یادگیری و یا عناصر اهداف برنامه های درسی یعنی بچه ها عمل کنند و مهارت داشته باشند و کار بکنند کارهای عملی بکنند و این نکره مورد عنایت باشد پس این سه قسمت جمع بندی میکنیم

باید ببینیم تجربه مان چی می گوید ایا جدایی از اینکه من چگونه درس بدهم باید دید بر اساس علم و بر اساس اسناد تحولی و بر اساس کتابهای روانشناسی دانش آموزان در سن های مختلف بهتر زمانی یاد می گیرند که خودشان درگیر پژوهش باشند که همان خانواده تفکر است

در کلاس اول ابتدایی شاید بگویید پژوهش یعنی چی؟! بچه ها نگاه کنید و بررسی کنید و بگو این میشود پژوهش یعنی بچه ها باید برگ رو نگاه کنند لمس کنند و نسبت به آن ابراز نظر بکنند این پژوهش است در اینجا منظور ما از پژوهش انجام تحقیق چند مرحله ای نیست بلکه اون تفکر پژوهشی و آن مفهوم کلی و نظر ورزی گفت گو کردن مشاهده و مصاحبه کردن است که از مهارت های پژوهشی است دوره ابتدایی و راهنمایی و متوسطه هدف اصلی رشد مهارتهای پژوهش است .لزوما انجام پژوهش هدف نیست اگر هم درگیر انجام پژوهش میشوند هدفان این است که فرایندها رو تمرین بکنند و مهارتهارو در واقع در وجودشان پایدار شود

دانش آموزان چگونه بهتر یاد می گیرند!؟ (خود ارزیابی و خودپالایی)

یعنی اگر فرصت فراهم بکنیم که در آن بچه ها دارند فکرمی کنند در آن فرایندی که بچه ها گفت و گو می کنند در آن فرایندی که دست ورزی میکند مرحله بعد خودارزیابی می کنند بجای این که ما همش کارشان را ارزش گذاری کنیم و باز خورد بدهیم به خودشان فرصت بدهیم و بگوییم شما نسبت به کار خودتون نگاهتون چیست این کلمه خودارزیابی خود مدیریتی خود ابتکاری در جای جای سند تحول بویژه برنامه درسی ملی آورده شده است و تاکید شده است . کلمه خودپالایی را از همان کلمه اخلاق استنباط میشود که خود پاییدن و خود پالایی یعنی یک نوع صداقت یک نوع با خود راست بودن و بکار گیری همه شخصیت خود برای یک کار خوب زلال بودن عزت نفس داشتن اعتماد به نفس همه اینها از مولفه های کلمه اخلاق است هر معلمی برای تدریس موفق از خودش این سوال را بپرسد که بچه ها برای یادگیری چه ویژگی ها و ظرفیت هایی دارند بچه ها با ظرفیتهای چگونه بهتر یاد می گیرند

مبانی نظری بر اساس سند تحول بنیادین

بخش دوم

سوال مطرح میشود که این ادبیاتی که بیان کنید آیا مبانی نظری دارد! ؟

وقتی گفته می شود تفکر و عقل این بر می گردد به مبانی نظری مبانی برنامه درسی ملی هم می باشد مبانی فلسفی و تربیتیش از مبانی نظری سند تحول الهام گرفته و در بخش مبانی نظری بحثی به عنوان مبانی انسان شناختی و مبانی هستی شناسی و مبانی معرفت شناسی و مبانی ارزش شناسی داریم در بخش انسان شناسی وقتی ریز میشویم این واژه هارو میبینیم که یادگیرنده انسان توانایی شناخت دارد یعنی دانش آموزان ظرفیت را دارند قرار نیست ما این ظرفیت را ایجاد کنیم بلکه باید این ظرفیت را شکوفا بکنیم این عقل که بحث مهم و اساسی در مقوله تعلیم و تربیت و یادگیری است در واقع دو بخش دارد هم عقل در بخش شناختی داریم به عنوان عقل ورزی شناختی و هم بخش عقل ورزی عملی داریم اگر کاوها رو بر ایاس عدله و علم دنبال کنیم در واقع این عقل ورزی است یعنی تجزیه و تحلیل و دلیل آوردن و پژوهش کردن مسائل و عبارتی است که می گویند بهتر است که ما وقتی از جهل صحبت می کنیم متضادش را علم قرار ندهیم بلکه عقل قرار دهیم زیرا جهل یعنی عمل نابخته لزوما جهل به معنای بی سواد و اطلاع نداشتن نیست یک کار و عملی که پخته نیست و عقل یعنی کاری که پخته و درست است و کنترل شده است عقل مسیر تفکر مارا هدایت می کند و جنبه شناختی ندارد بلکه جنبه معرفتی و عرفانی دارد و یه جاهایی طبق منابع اسلام و بخواهیم منابع شناخت را تعریف کنیم عقل یکی از منابع شناخت است و در کنارش وحی و قرآن هم است اجماع و سنت را می توانیم ادامه عقلانیت تعریف کنیم و طبق گفته دکتر اعتصامی منابع شناخت را تقسیم کنیم به منبع شناخت عقل و نقل، نقل یعنی آنچه را از قرآن و خداوند وحی شده از طریق پیامبران و قرآن و سنت و اجماع هم به یک شکلی با عقل که استنباط فقها است میتوان بحث را کامل کرد . انسانها ذاتا اجتماعی هستند پس یادگیریشان در اجتماع است این بچه ها استعداد های متنوع دارند نظریه های هوش گاردنر انسانها دارای استعدادهای متفاوت و متنوع هستند تفاوت های فردی که از نظر ژنتیک متفاوتند و از لحاظ استعداد و علایق تنوع یادگیریشان فرق می کند

یادگیرندگان فطرتا کنجکاو و خلاق هستند و یادگیری فطری است

۱- یادگیرنده توانایی شناخت دارد (عقل

۲- یادگیرنده ذاتا اجتماعی است

۳- یادگیرنده از استعدادهای متنوع برخوردار است

۴- یادگیرنده فطرتا کنجکاو و خلاق است

۵- یادگیرنده از عواطف هیجانات متنوع برخوردار است

بچه ها پرسشگر هستند این دانش آموز برای یادگیری از عواطف هیجانات متنوع هم برخوردار است یعنی هوش هیجانی جزو لاینفک متولوژی یادگیری است برای اینکه بچه ها یاد بگیرند باید کلاسمان شاد باشد

برای یادگیری بهتر باید به علایقه آنها توجه شود و عواطف و احساسات آنها مورد توجه گردد و آرامش و احساس دوستی بکنند و ترس در کلاس نداشته باشند احساس امنیت بکنند باید معلم توجه داشته باشد که سختگیری و ترس باعث عدم یادگیری بچه ها میشود بنابر این وقتی عمیق میشویم به دنیای یادگیری متوجه میشویم موضوع عمیق و وسیع است سبک های یادگیری متنوع توانایی های متنوع.

سوال= برنامه درسی ملی به یادگیری چگونه نگاه می کند؟ یادگیرنده را چگونه می بیند؟ این دانش آموزی که در کلاس ما است این ظرفیتها را دارد وقتی این ظرفیتها تا دارد باید بپذیریم که دانش آموز زمینه یادگیری در او هست و ما بایستی شرایط را فراهم کنیم اون زمینه ها و ظرفیتها شکوفا شود

پس یادگیری یک امر ارادی و فطری است و ارازه بچه ها در یادگیری نقش دارد انگیزه آنها در یادگیری نقش دارد پس باید اراده بچه ها را در یادگیری تقویت کنیم و انگیزه را فراهم کنیم نه لزوما اطلاعات به بچه ها بدهیم خود اطلاعات شاید مانع یادگیری بشوند پس این به مبانی ما بر میگردد یعنی نگاه ما به یادگیرنده چیست؟

یادگیری چیست!؟

فرآیند یادگیری بر اساس برنامه درسی ملی و تعریفی از برنامه درسی ترسیم می کنیم

من معلم به عنوان راهبر یادگیری زمینه ساز یادگیری هستیم یعنی زمینه سازی. کلمه زمینه سازی در سند تحول به آن اشاره شده است. یعنی ایجاد زمینه و فرصتهای یادگیری که این فرصتها میتواند کتاب درسی یا فیلم آموزشی یا انواع محیطهای آموزشی و انواع تکنولوژی و هزاران زمینه ای که معلم از قبل بر اساس نوع درس پیش بینی کرده است.

گام اول در فرآیند یادگیری ایجاد زمینه است

کام دوم کسب شایستگی ها یعنی دانش آموزان شایستگی ها را کسب می کنند خود محتوای کتابها و فیلمها و مواد خوان نی و هر آنچه می بینند و می شنوند اطلاعات می شود . اگر قرار باشد اطلاعات بدهیم و اطلاعات را امتحان بگیریم اطمینان از اینکه یادگیری عمیق شده است وجود ندارد. یادگیری خیلی سطحی است بلکه این اطلاعات را بچه ها باید از طریق فرایند تفکر در فرایند ذهنشان فکر کنند استدلال کنند مورد نقد و ارزیابی قرار بدهند تا به شایستگیهایی برسند که ما به آن تفکر می گوئیم . تفکر ، مهارتهای اجتماعی و مهارت کار آفرینی شایستگی است پس کسب شایستگی برای درک و اصلاح موقعیت و نهایت شکل گیری هویت.

تعریف یادگیری با آن چیزهایی که از قبل می دانستیم بر اساس برنامه درسی ملی و رویکرد اساسی برنامه درسی ملی که موقعیت محور است که از طریق شکوفایی فطرت دنبال میشود تعریفش با تعریفهایی که از قبل می دانستیم کمی فرق می کند قبلا می گفتیم یادگیری یعنی تغییرات نسبتا پایدار کلمه تغییر کلمه درست است چون کاملا با تغییرات است ولی کلمه تغییر کامل روشن نبود تغییر یعنی کسب شایستگیهای تفکر تغییر یعنی کسب شایستگی ها کار آفرینی و اجتماعی و مهارتهای زندگی و اطلاعات زمینه ساز شایستگی ها است و این شایستگی ها خیلی ارزشمند هستند اما بایستی به دانش آموز کمک کند تا در مواجهه با موقعیتهای مختلف آن موقعیتهای را درک و اصلاح بکنند پس در جهت درک و اصلاح موقعیت خود از شایستگی ها استفاده کند شایستگی ها کمک می کند فرد خود را بشناسد ضعفها رو بشناسد علایق های خود را بشناسد جامعه فرهنگ و طبیعت و را بشناسد و اگر دوست دارد در زمینه طبیعت کاوش کند باید اطلاعات خود را به سمت تجربی سوق دهد و کسب اطلاعات کند تا به سمت کشف طبیعت معادن و ... برو . و اگر علاقه به علوم اجتماعی است باید در این زمینه اطلاعات کسب کند با فرهنگ خانواده و رسم و رسوم و تا برود به رشته علوم انسانی . اگر در زمینه مهارتی علاقه مند است باید در آن زمینه وقت بگذارد و برود رشته های فنی حرفه ای و کارو دانش . یعنی بین درون افراد و پیرامون آنها و آینده شغلی رابطه ای وجود دارد اگر کل استعدادها را به مهارتهای فنی و مهارتی و علوم انسانی و اجتماعی و استعدادهای طبیعی و ذهنی تقسیم بکنیم سه رشته در متوسطه دوم داریم سه شاخه کلان داریم

۱- انسانی

۲- فنی مهارتی

۳- علوم پایه

شاید در بررسی های آینده بتوانیم به سمتی برویم که رشته های متوسطه دوم مورد بازنگری قرار بگیرد و به جریان هدایت تحصیلی کمک کند با توجه به اینکه در مبانی نظری سند تحول به متوسطه نیمه تخصص اشاره شده نزدیک تر باشد.

فرایندی برای یادگیری در نظر میگیریم که این فرایند با ایجاد موقعیت توسط معلم شروع میشود و دانش آموز با این تعاملات و گفتگو ... شایستگی ها را کسب می کند و کم کم به فهم می رسد و با تکالیف درسی یادگیری ها تثبیت میشود و این جریان خطی نیست بلکه حلقوی است . یادگیری ساخت دانش است پس وقتی صحبت از دانش آموز

میشود یعنی خلق کردن یعنی دانش آموز در حال ساختن است وقتی میگوییم مخلوط را تعریف کن طبق کتاب دانش آموز تعریف می کند وقتی می گوییم مثال بزن اگر نتواند یعنی یاد نگرفته ولی اگر تونست مثال بزند مفهوم مخلوط را فهمیده است.

ساخت دانش = یعنی چیزی را که دانش آموز فهمیده بیان می کند . یعنی این بیان برای ذهن و خود دانش آموز است . خلق معنی در ذهن یعنی یادگیری

یادگیری =طبق تعریف زیر نظام سند تحول ملی یعنی کسب شایستگی ها در جهت درک و اصلاح موقعیت خود و دیگران

سوال = اگر قبول کردیم که یادگیری از آن چهار روش حاصل می شود به طورطبیعی بر اساس رویکرد کاوشگری باید تشخیص داد که روشهای تدریس ما چگونه باید باشد!؟؟

میتوانیم بگوییم روشهایتدریس همان روشهای یادگیری هستند یعنی به همان شیوه هایی که بچه ها بهتر یاد می گیرند ما هم به همون شیوه ها باید تدریس کنیم . راهبرد تدریس یعنی کاوشگری روشهای اکتشافی مشارکتی اگر بخواهیم جدا کنیم و انتقالی رو هم مد نظر قرار دهیم که بخشیا تدریس به توضیح و انتقال هم نیاز سه دسته تقسیم میشود

[] -راهبردهای تدریس:

۱-اکتشافی ؛مشارکتی ؛ انتقالی

۲- رویکرد ارزشیابی :خود ارزیابی

[] -راهبردهای ارزشیابی:

فرآیندی و نتیجه محور

[] -رویکرد تدریس:

فطرت گرا و موقعیت محور و تلفیقی و خود یادگیری

ایده آل یک کلاس خوب از اکتشافی شروع شود و بااکتشافی و مشارکتی ادامه یابد و با انتقالی تمام شود این سه کلمه در اصول راهبردهای یاددهی و یادگیری در بخش برنامه درسی ملی به صورت مستتر و کلمات مشاهده می کنید که لازم است زمینه فراهم شود تا بچه ها کاوشگری کنند کلمه تعامل آمده است . با تعریف و روشهای یادگیری تدریس باید چگونه باشد ؟ تدریس با سوال یا نشان دادن فیلم و یه زمینه که ذهن بچه ها را فعال کند و بعد بچه ها گفت و گو

کنند که مشارکتی و در نهایت معلم اطلاعات بدهد و سوال و پرسش انجام گیرد که انتقال اطلاعات را در انتهای کلاس داشته باشیم

بحث ارزشیابی

ارزشیابی چیست؟

رویکرد ارزشیابی چیست!؟ خود ارزیابی است

یعنی اگر قرار است که بچه ها با تلاش خودشان یاد بگیرند بایستی خودارزیابی هم رویکرد ما باشد یعنی فرصت بدهیم خودشان کارهای خود را ارزیابی کنند این یک رویکرد است این رویکرد وقتی تقسیم بندی در قالب راهبردها تحت عنوان ارزشیابی فرایندی و نتیجه محور یاد میشود که در راهکار ۲/۱۹ سند تحول به آن اشاره شده است رویکردهای تدریس باید فطرت گرا و موقعیت محور و تلفیقی و خود یادگیری باشد

کلید واژه اصلی در تدریس و ارزشیابی:

خود یادگیری و خود ارزیابی

همه تلاش ما کمک کنیم بچه ها به مرحله خود یادگیری برسند خودشان یادگیری خود را مدیریت بکنند به مرحله فرا شناخت برسند خودشان برنامه ریزی بکنند برای یادگیری بهتر و وابستگی به ما کم بشود در ارزشیابی هم باید تلاش بکنیم مبنای ارزشیابی خودشان باشند و ارزشیابی و بخشهایی که بر عهده ما است میتواند مکانیز باشد و کمک کند به خود یادگیری و خود ارزیابی دانش آموزان

در یک عبارت دیگر ارزشیابی بویژه اردشیاپی فرایندی و تدریس همون روشهای یادگیری هستند یعنی عملا یک یا چند فرایند نیست روش سنتی من به عنوان معلم می گویم دانش آموز گوش میدهد میرود منزل تمرین می کند و بعد یادگیریهتشو پاسخ میدهد این روش خطی مورد نقد است

ما آنچه از تدریس و یاددهی و ارزشیابی می گوئیم اینها در هم تنیده است و با هم ارتباط دارد بر همین اساس هم در کتاب دکتر سیف و دکتر اقا زاده و دکتر خوش خلق ما عباراتی را در زمینه ارزشیابی داریم که سه شکل اردشیاپی داریم

ارزشیابی برای یادگیری

آن ۹۰ دقیقه تدریس اردشیاپی باید در خدمت یادگیری باشد و ارزشیابی برای یادگیری اگر این رو قبول کنیم مفهومی این است که در این ۹۰ دقیقه روشهای ارزشیابی همان روشهای تدریس هستند

رویکرد تلفیقی (تلفیق ۶ ساحت تربیتی)

نکته در خصوص رویکرد تلفیقی = وقتی سخن از رویکرد تلفیقی و یا در هم تنیده می شود یعنی چی؟! منظور این رویکرد این است که وقتی برای اهداف دوره های تحصیلی که تثبیت شده بر اساس ۶ ساحت تربیتی اولین نکته در مورد تلفیق این است که معلمی که هر درسی را تدریس می کند در فرایند تدریس خود باید بگونه ای تقوایی و اجرا کند که ۶ ساحت تربیت بچه ها مورد توجه قرار دهد

تلفیق ۶ ساحت تربیتی یعنی چی !

اخلاق و اعتقادات

یعنی من معلم ریاضی در درجه اول هدف تربیت علمی بچه ها در زمینه ریاضی است رشد استدلال و تفکر بر اساس فرایندی و یادگیری اعداد و مفاهیم ریاضی ... همزمان و بصورت تلفیقی بچه ها گروه بندی میشوند که مسائل را بصورت تیمی یاد بگیرند تربیت اجتماعی را پرورش می دهیم و ریاضی را هم میتوان بصورت تیمی یاد گرفت دوم از طریق کار تیمی مهارت اجتماعی را در بچه ها بچه ها تقویت می کنیم که بچه ها ببینند دوستشان چگونه مسبت به مفاهیم ریاضی استدلال میکند و با هم بودن را دنبال می کنیم

بحث اعتقادی و اخلاق در درس ریاضی چگونه به معقوله اخلاق و اعتقادات توجه کنیم ایا دوسویاضیرا تعطیل بکنیم و قرآن تدریس شود؟! چکار باید کرد؟! منظور این است که وقتی در مورد ریاضی صحبت می کنیم و دانش آموز را پای تخته میارم و میگویم شما فروشنده و دانش آموز دیگر خریدار بر اساس فرایندهای ریاضی با حساب و کتاب فرایند ریاضی را یاد میدهد که مبلغی دارم با این مبلغ چقدر می توانم بخرم از بچه می پرسیم این قیمتی که فروشنده برای کالای خود گفت گرون بوده یا خوب این جا وارد فضای اخلاق میشویم یعنی انصاف و صداقت و دروغ نگفتن ما اخلاق را بصورت مستقل نمیتوانیم در مدارس آموزش دهیم اخلاق در هم تمیده است با فضای کلاس مدرسه . اخلاق در جو و فرهنگ یاد گرفته میشود نمیتوان با نصیحت بچه ها اخلاقی بار بیاریم بلکه سر کلاسها با همین تلمگرهای کوچک آموزش میدهیم پس ما باید در کارها و معامله هامون انصاف داشته باشیم در علوم تجربیات بچه ها به راز خلقت و عظمت خدا رو بچه هابه آن پی میبرند در علوم اجتماعی و علوم تجربی و ...

تربیت بدنی و سلامت

ایا فقط درس تربیت بدنی بایستی به تربیت بشوند که الویت اول است !؟بله ما در درسهای ریاضی و ... بطور خواسته و ناخواسته میخواهیم بچه ها با دستشون کار بکنند و درست نشستن را تمرین می کنند و درست راه رفتن را تمرین میدهم معلمان دروس دیگر در کلاس خودم بچه ها رو مستقیم و غیر مستقیم یادگیری انجام میدهم دانش آموزی که چاق است و صبحانه نخورده مستقیم و غیر مستقیم در فرایند تدریس داریم به آنها نیز توجه میکنیم پس ما از تدریس تلفیقی صحبت میکنیم تدریس فرهنگی تربیتی تدریس با رویکرد فرهنگی و اجتماعی یا فرهنگی تربیتی را بحث میکنیم

درس هنر و زیبا شناسی وقتی در کتابهای درسی نقاشی های خوبی طراحی شده است و بچه ها خودشان طراحی میکنند و ذوق زیبا شناسی خود را نشان میدهند آیا ما غیر مستقیم به تربیت حس زیباشناسی کمک نمیکنیم؟ به تخیل تفکر کمک نمی کنیم اگر دانش آموز کشش ریاضی اش ضعیفتر است و معلم بعد یکی دوماه متوجه شد ولی دانش آموز تلاش میکند و نمره ریاضی خوب نمی گیرد آیا باید با دانش آموز دیگر مقایسه کرد!؟ این مقایسه ها تخریب کننده است و درست نیست. به ویژه در درس ریاضی که انتظار انتزاعی هم هست بین دانش آموزان تفاوت وجود دارد باید چکار کرد!؟

باید تفاوت فردی بین دانش آموزان را بپذیریم تفاوت یادگیری در این درس طبیعی است بیشتر برای ابتدایی و راهنمایی است ولی در دبیرستان نمرات می توانند کرانش نزدیکتر باشد

سوال این است که دانش آموزی در ریاضی ۸ می گیرد ولی در طراحی بسیار خوب عمل میکند به دانش آموز می گوئیم طراحی های این کتاب را شما انجام بده یعنی با کمک استعداد موسیقایی و هنری و بهره گیری از ساحت زیبا شناسی و هنر داریم به یادگیری ریاضی کمک می کنیم

اقتصادی و حرفه ای

در سالهای گذشته نسبت به ساحت اقتصادی و حرفه ای کمتر توجه کردیم در نگاه وجود دارد

در دوره متوسطه دوم و فنی حرفه ای در قالب هنرستان دنبال بکنیم

یا برای مبانی درس اقتصاد درس کارآفرینی داشته باشیم

برای متوسط دوم مورد قبول است ولی برای متوسطه اول و ابتدایی اینها تلفی است یعنی خیلی دنبال درس مستقلی تحت عنوان کار افرینی و اقتصاد نیست

در همه درسها بایستی در جاهایی تلنگر بزنیم و با مسائل شغلی و واقعی زندگی ارتباط بدهیم اگر این کار را بکنیم یعنی زمینه تلفیق درس ریاضی و یا هر درسی با ساحت ها بر قرار کردیم و بسیار مهم است که روزها وقتی صحبت از رویکرد فرهنگی تربیتی در کلاس درس میشود یعنی معلم بطور مستقیم و غیر مستقیم همه ساحت ها را به نوعی در واقع در تدریس طراحی کرده و در فرایند تدریس مورد توجه قرار دهد و بچه ها را درست هدایت و راهنمایی کرد

رویکرد تلفیقی (تلفیق تدریس و ارزشیابی)

در ۹ دقیقه ارزشیابی و شیوه ها با تدریس تلفیق و در هم تنیده است یعنی دانش متوجه نمیشود که ما همراه تدریس ارزشیابی می کنیم مثل گروه بندی کلاسها سر تکان دادن و تایید کردن این نوعی ارزشیابی است پرسیدن هم تدریس

هم ارزشیابی . تلفیق بین علم و دین . تلفیق بین محتوای درسی و ویژگیهای زندگی و واقعیت‌های روز . بنابر این بحث تلفیق بسیار مهم است

شاخص ها و اصول تدریس و ارزشیابی اشاره شد

علاوه بر اصل ارتباط سازنده ای که معلم بین دانش آموزان با هم و خودش با آنها رعایت می کند بقیه کار معلم با عنوان شاخص های تدریس فعال در کلاس اجرا می کند کاوش و پژوهش / تعامل و هم اندیشی / دست ورزی / بکار گیری فناوری / زمینه سازی جهت ساخت مسائل آموزشی توسط بچه ها / و برقراری ارتباط بین مباحث درسی با انواع موقعیتها اینها میتواند شاخص های تدریس باشند

برای ارزشیابی هم زمینه سازی جهت خود ارزیابی / فعالیتهای دانش آموز خودشان ارزشیابی کنند تنوع ابزارها در روش های ارزشیابی فرایندی که هم مستقیم و غیر مستقیم است از پرسش تا خود اظهاری تا بقیه نکات ... انواع روش های پرسش و پاسخ و توجه به ارزشیابی پایانی

طراحی آموزشی در کلاس درس

چگونه طرح درس بنویسیم و بر اساس آن کلاس را بهتر مدیریت کنیم

چهره چوب هایی که قبلا استفاده کردیم مناسبند ولی بر اساس استنباط از برنامه درسی ملی اصلاحاتی وجود دارد

-اهداف یادگیری

-ارزشیابی آغازین

-تدارک فرصت های یادگیری

-مدیریت فرایند یادگیری - یاددهی

در همه طرح درس ها اولین جمله بعد از عنوان درس و تاریخ و معلم و زمانبندی اهداف یادگیری تاکید است هر درسی در هر کتاب ریاضی ... و واحد یادگیری اهداف آن یا در کتاب راهنما آمده یا از محتوا می توان تشخیص داد قبلا می نوشتیم اهداف کلی و جزئی یا می نوشتیم اهداف رفتاری در قالب دانستی ها یا همان حیطه شناختی حرکتی و روانی و عاطفی . الان چه باید کرد؟؟ باید بنویسیم اهداف یادگیری یا انتظارات عملکردی . اهدافی که مصوب شده در شورای عالی اهداف مبتنی بر شایستگی و عملکرد است که برای این موضوع در برنامه های دیگر بحث کرد و اهداف را بیشتر تشریح کرد . اهداف یادگیری را بر اساس محتوای درس در قالب مهارت تفکر و علم و مهارتی است این سه تا

مشترک است عناصر اصلی الگوی هدف گذاری است که تفکر و مهارت و علم است

هدف اصلی در هر درسی در درجه اول بخش تفکر است شایستگی کلید است عقلانیت کلید است در همه درسها اخلاق و ایمان مستتر است برای هر درسیما نتوانیم برای اخلاق یا باور و نگرشها و ارزشها و ایمان جدا گانه هدف بنویسیم اما برای علم و عمل و تفکر تقریبا همه درسها این سه را دارند همه درسها مصادیقی از علم و مصادیقی از مهارت (دست ورزی (و مصادیقی از تفکر دارند وقتی اهداف می نویسیم با درسهایسالهای قبل ارتباط دارد تشخیص میدهیم بچه ها قبل از اینکه این اهداف را براساس محتوا درسی یاد بگیرند بایستی از خودشان از قبل چیزهایی را بدانند که به آن اهداف ورودی می گویند اهداف ورودی (پیش دانسته ها (ابتدا باید معلوم کرد یعنی از قبلپیش دانسته را مشخص میکنیم و روش ارزشیابی ان را نیز مشخص میکنیم و زمان تدریس به صورت یک سوال یا ازمون متناسب با شرایط کلاس و نوع درسباید اطمینان حاصل کنیم که بچه هابرای یادگیری جدید من توانستم یادگیری قبلی آنها را با یادگیری جدید پیوند دهم. قبلا در طرح درسها بجای تدارک فرصت یادگیری نوشته می شد وسائل آموزشی . در زمان قدیم وقتی سخن از وسائل آموزشی بود منظور تخته و گچ بود بعد شد تکنولوژی ها آموزشی ولی الان فرصت هاز یاد است تکنولوژیهای جدید ونوبن برگها سنگها کتابخانه مواد آزمایشگاهی وسایل کارگاهی بازدید علمی.....هر چیزی که فرصت یادگیری تلقی شود که متناسب بادرس مربوطه است . طراحی می کنیم .مثلا وقتی تابستان در حال طراحی طرح درس هستید مثال اینکه در ابان ماه در چنین تاریخی بچه ها را ببریم موزه (برای درس تاریخ (پس یک هفته قبل از اینکه زمان درس برسد با مدیر هماهنگ کردتا بازدید انجام شود . پس با توجه به متنوع بودن محیطهای یادگیری فرصت های یادگیری بسیار مهم هستند اما مرحله بعدی طرح درس روشهای تدریس بود که جلوی آن نوشته می شد روش پرسش و پاسخ و در واقع بقیه روش ها .

مدیریت فرایند یادگیری -یاددهی : ما به بچه های نمی دهیم ما زمینه یادگیری فراهم می کنیم یعنی مدیریت فرایند یادگیری را می کنیم و تدریس و ارزشیابی را در ادامه می اوریم بهتر است گفته شود یادگیری و آموزش چون آموزش خیلی وسیع تر است

ارزشیابی فرایندی

محورهای اصلی یادگیری

-فعال سازی تفکر (کاوشگری) و انگیزه

-تعامل و هم اندیشی

-دست ورزی و به کار گیری فناوری

-خود اردیابی

-برقراری ارتباط با موقعیت های طبیعی و اجتماعی

-توضیح و تبیین

در هر درسی بچه ها یابستی یادگیرند چگونه فکر کنند چگونه هم اندیشی کنند و طبق این محورها مفاهیم را درک کنند . ارزشیابی فرایندی با همه محورها در هم تنیده است درسته به ترتیب نوشته شده ولی ترتیب مورد نظر نیست این محورها می توانند بصورت حلقوی باشند حتی میشود با خود ارزیابی بادت و رزی کلاس را شروع کرد نکته مهم ما یک روش تدریس نداریم بلکه ترکیبی از روشهاست تلفیق روشهای مختلف با هم.

اهداف یادگیری را در چند هدف مینویسیم دو هدف در پیش دانسته ها مینویسیم و روش ارزشیابی را مشخص میکنیم پنج شش کلمه تا برای فرصت یادگیری مینویسیم بعد مینویسیم فرایند تدریس را چگونه فرایند بکنیم همه هنر معلم این است که این بخش تسهیل گری را تکمیل کند برای هر درسی مهم این است که تشخیص داده شود برای این درس با چه سوالی و فیلم و ایفای نقشی و فعالیتی در سر کلاس امکان فعال شدن ذهن بچه ها فراهم میشود

یک کلاس مطلوب به ده دقیقه اول تدریس بر می گردد بخش خود ارزیابی از درس قبلی و حضور و غیاب را الان کار نداریم بلکه طراحی می کنیم برای درس مطلوب در کلاس درس . اگر هر معلم بتواند این ده دقیقه تدریس خود را که قبلا طراحی کرده را درست اجرا کند بچه ها ۹۰ دقیقه با معلم همراه هستند در غیر این صورت کار معلم سخت میشود با اینکه معلم زحمت میکشد زیرا بچه ها خسته میشوند و ذهنشان نمی کشد . پس من معلم باید چکار کم تا ذهن بچه هادرگیرشود با بارش مغزی و طرح سوال یا بدیعه پردازی یا نشان دادن فیلم چکار کند تا با چه روشی تعامل را دنبال کند

اگر دانش آموز زیاد بود و نمیشد گروه بندی کرد هدف معلم گروه بندی نیست بلکه هدف این است که بچه ها صدای همدیگر را بشنوند .. مثلا از دانش آموزی بپرسیم که نظرش در مورد این سوال چیست و از دانش آموز دیگر بخواهیم نظرش را در مورد جواب دوستش بدهد و برداشت خود را بازگو کند در واقع تعامل جمعی مد نظر است

از قبل پیش بینی کردیم چه وسائلی برای دست ورزی و فناوری و مهارت نیاز است و چه موقع و چگونه بکار ببریم با چه سوالاتی فرصت خودارزیابی را فراهم بکنیم با چه سوالاتی ارتباط بچه ها را با محیط زندگی فراهم بکنیم و باید این مراحل تا مرحله خودارزیابی به ما اطمینان بدهد که بچه ها یاد گرفتند لحظه لحظه ی مراحل تدریس را بایستی با روشهای بسیار ساده تست بکنیم که اسم آن ارزشیابی فرایندی است و با خورد بدهیم پس باید تست کرد و باز خورد بدهیم و تکرار کنیم و باید نحوه یادگیری بچه ها را ببینیم اگر کلاسی فعال باشد ارزشیابی فرایندی قابل عمل است اگر فقط سخنرانی باشد امکان ارزشیابی فرایندی میسر نیست باید گفتار و عمل بچه ها را ببینیم و در واقع بر آن اساس باز خورد بدهیم پس این کلید واژه مهم است

باز خورد بدهیم یعنی در این دو تا پنجاه دقیقه که در شرایط کشور ما ادغام شده به ۱۰۰ و ۹۰ دقیقه مهم این است که در این ۹۰ دقیقه لحظه لحظه یادگیری بچه ها را تست بکنیم و به عبارتی تدریس و ارزشیابی با هم بصورت در هم تنیده

ارائه شود و وقتی به انتهای زنگ می‌رسیم مطمئن بود که بچه‌ها با توجه به تفاوت‌های فردی مطالب را فهمیده‌اند. نه در حد عمیق اما برداشت‌هاشون درست است اگر به این اطمینان نرسیم زحمت زیاد کشیدیم و در واقع بچه‌ها یاد نگرفتند و یا حداقل اطلاع نداریم که چگونه یاد گرفتند این نقش تدریس را دکتر مر محمدی می‌فرماید تدریس سر بخش یا تدریس موثر یعنی دانش آموز یاد گرفته باشند در غیر این صورت معلم زحمت کشیده ولی دانش‌آموزان یاد نگرفته‌اند کلاس درس جای یادگیری است و کلید واژه در این مرحله فهم است و منزل جای تمرین و تکرار است که می‌رسیم به مراحل تکالیف و تمرینی توسعه‌ای .

تکالیف تمرینی و توسعه‌ای

یعنی در واقع بچه‌ها فهمیدند با چه تکالیفی بایستی بچه‌ها در خانه تمرین کنند و یا مدرسه به گونه‌ای است که بچه‌ها می‌توانند یکی دو ساعت در مدرسه باشند و تمرین کنند بهر حال نیازمند تمرین هستند پس تکالیف درسی حذف نمی‌شود فقط می‌تواند شکل آن تغییر کند و در مدرسه انجام شود و تنوع آن نیز قابل بحث است

تکالیف در درجه اول تکالیف تمرینی است یعنی تکرار و تمرین برای تثبیت یادگیری.

این تکالیف تمرینی برای همه بچه‌ها هست که متناسب با هر درسی باید تکالیفی داشته باشند حفظ کنند بنویسند طراحی کنند حل کنند اما برای توسعه‌ی فکری و عمیق شدن بچه‌ها چه باید کرد؟! اسم آن را تکالیف توسعه‌ای می‌گوییم پروژه و پژوهش باید به بچه‌ها داد ولی برای همه نیست برای هر درس هر دانش‌آموزی حداقل یک پژوهش و پروژه را انجام دهد این طور نباشد که وقتی ۹۰ دقیقه تمام شد به بچه‌ها بگوییم هر کی که میتونه یک پژوهش بیاورد این درست نیست. باید بچه‌ها را بشناسیم و برای هر جلسه‌ای یک نفر یا دو نفر را با توجه به علاقه و سوالی که برای او پیش آمده در این زمینه این پروژه و پژوهش را انجام بده و در آخر سال هر دانش‌آموزی یک پژوهش یا پروژه را انجام بدهد که باید درست نظارت بکنیم روش پژوهش‌ها را به شکل ارائه تغییر دهیم یعنی فرصتهایی فراهم کنیم که بچه‌ها این کاری که انجام دادند را در سر کلاس ارائه بدهند که اگر هم پرینت گرفتند و سرچ کردن و فرصت نکردند که یاد بگیرند دوباره نوشته‌های خود را مطالعه کنند و استدلال بکنند. و باز خورد بدیم. هنر ما در تکالیف این است که باز خورد بدهیم چه باز خورد گفتاری و چه باز خورد نوشتاری و ...

تکالیف عملگری است یعنی تکالیفی که بیشتر بر می‌گردد به موقعیتهای بیرونی از جنس موقعیت محور هستند مثال اگر درس جغرافی می‌دهیم چهار هت اصلی را یاد گرفتند حالا فعالیتی طراحی کنید که شمال جنوب و شرق و غرب شهر و روستا و محله را طراحی بکنند این سوالات از جنس عملکردیست و برای ریاضیات و دیگر درسه‌ها نیز بکار میرود

پس سه نوع تکالیف داریم

-تکالیف تمرینی

-تکالیف پژوهش

-تکالیف عملکرد

تکالیف باید مبتنی با تفاوت‌های فردی باشد مبتنی باشد با توانمندی بچه‌ها مبتنی باشد بر تنوع استعدادها حجم تکالیف این تفاوت‌ها را مورد نظر قرار دهیم

تکالیف بایستی با نوع اهمیت کار معلم رابطه دارد اگر معلم تکلیف بدهد ولی دانش آموز احساس کند که معلم توجه نمیکند و بی هدف است ارزش آن کاسته میشود و حجم تکالیف نیز مهم است تکالیف هم نکات خیلی مهمی است

ارزشیابی

ارزشیابی پایانی و ارزشیابی کتبی

درسهایی که آزمون‌ها کتبی دارد برای هر چند هفته یا پایان هر نوبت تحصیلی . ارزشیابی های نتیجه محور و پایانی در واقع حداقل دو نوع را میشناسید

بعضی سوالات باید دانش را بسنجد و بعضی سوالات مهارت را بسنجد و یا فهم و تجزیه و تحلیل را بسنجد بعضی ها هم استدلال بچه‌ها را بسنجد که در قالب سوالات باز پاسخ و یا بسته پاسخ تقسیم کنیم سوالات چند گزینه ای یا جا خالی و یا سوالات تشریحی .

چند سوال هم از جنس سوالات عملکردی را باید ارائه بدهیم سوالات کتبی عملکردی و آزمونهای در موقعیتهای شبیه سازی شده و آزمونهای شناسایی و نمون آزمونهایی که نمونه ارزیابی عملی که دانش آموز چیزی را بسازد

پیشنهاد :ما طرح درس نمی نویسیم و تجربه زیاد است و در ذهنمون طراحی میکنیم و اجرا میکنیم

این حرف را من قبول دارم اما با توجه به فناوری جدید بین معلمهایی که هم رشته هستید و چند مدرسه همدیگر را میشناسید یا از طریق گروههای آموزشی مثلا درس علوم تعداد فصل ها را بین هم تقسیم کنید طبق این الگو طراحی را بنویسیم هر معلم یک یا دو درس را انجام دهد در فایل کامپیوتری داشته باشم وقتی به صورت نرم افزار باشد این داستان نوشتن و نوشتن طرح درس حل خواهد شد بنابر این هر سال این فایل هست و شهریور ماه با اطلاعات و تجربیات جدید خود فایل را باز میکنید و اطلاعات را اضافه میکنید و به این طریق هم بحث مکتوب بودن طرح درس خاتمه پیدا میکند و برای هر درسی یک طرح درسی الکترونیکی تهیه میکنیم و بتوانیم با اشتراک گذاری بین معلمان به هم کمک کنیم.

LTMS



بروزترین مرجع

دوره های ضمن خدمت فرهنگیان

ltmsyar.ir

همه آنچه برای انجام دوره های ضمن خدمت لازم است را
تنها از سایت و کانال ما دنبال کنید :

t.me/ltmsyarir

www.LTMSYAR.ir

(برای ورود به سایت و کانال تلگرام لینک های بالا را بفشارید.)